

سخن سر دیر

یکی از آسیب‌های تفسیر قرآن و شرح روایات معصومان علیهم‌السلام تفسیر به‌رأی است که درخصوص قرآن کریم در روایات اهل بیت علیهم‌السلام صریحاً مورد مذمت واقع شده و برخی آیات قرآن کریم نیز برحسب اشاره یا ملازمه آن را منع نموده است. ازمنظر خرد اخلاقی نیز روشن است که برداشت یک مطلب خارج از ضوابط و روش‌های مفاهمه و انتساب آن به صاحب سخن، نکوهیده و ناصواب بوده و درمورد قرآن و سخنان حجج الهی خطرناک، مهلک و خسارت‌بار می‌باشد. اینکه هرچا منطوق یا مفهوم کلام خدا و اولیای او با مسلمات یا فرضیه‌ها و ذهنیت‌های مفسر هماهنگ نباشد، با تخطی از قواعد و ضوابط عقلایی تفسیر و فهم متون دست به تأویل زده شود؛ ازجمله خطرناک‌ترین انحرافات در حوزه معرفت دینی است که آگاهانه یا ناآگاهانه ممکن است واقع شود و اعظم تفسیر و حدیث همواره نسبت به آن بیم داده و به‌جد در اجتناب از آن کوشیده‌اند. سهم و نقش معرفت‌ها و پیش‌فرض‌های فرادینی در فهم و استنباط معرفت دینی همواره مورد توجه اصحاب نظر بوده است و مرز میان تفسیر به‌رأی و تفسیر روشمند از نصوص دینی دغدغه کنش‌گران این حوزه بوده و هست. بنا بر نگرش برخی عالمان موسوم به مکتب تفکیک برای مصونیت از تأویل نامشروع نصوص دینی و بهره حداکثری از آنها لازم است با ذهن خالی و پیراسته از معرفت‌های بشری، به محضر کتاب و سنت تشرف یافت، وگرنه اگر اندیشه آغشته به معارف فلسفی، عرفانی و کلامی باشد، فهم ناب و خالص از متون وحیانی حاصل نخواهد شد؛ لذا برای اجتناب از فروغلطیدن در ورطه تفسیر به‌رأی و تأویل ناهنجار نصوص دینی، لازم است در مقام مواجهه تفسیری با این متون، فکر را از هرگونه تعلق به معارف بشری آزاد نمود تا بتوان

از ظرفیت هدایت کتاب و سنت بهره جست. در عین حرمت‌گذاری به این هدف مقدس در تحلیل این دیدگاه، توجه به چند نکته سودمند خواهد بود:

الف) مواجهه با ذهن خالی و به‌دنبال آن فهم ناب و خالص از نصوص دینی ممکن نبوده و رؤیایی بیش نیست؛ زیرا باورها، پیش‌فرض‌ها، پرسش‌ها، انتظارات و در یک کلام، ابعاد شخصیت فکری و روحی مفسر به‌صورت طبیعی و چه‌بسا ناآگاهانه در فرایند شکل‌گیری فهم تأثیر می‌گذارند و به‌همین دلیل حتی در باب مشاهدات حسی که بعید از تفسیر تلقی می‌شوند نیز برخی فیلسوفان علم مدعی‌اند مشاهده همواره گرانبارتر از نظریه است. البته بیان این نکته، نه از سر تأیید دعاوی هرمنوتیک فلسفی است که مجالی برای تفسیر عینی باقی نمی‌گذارد و به تفسیر به‌رأی بودن همه خوانش‌ها می‌انجامد؛ دیدگاهی که هرگز قابل دفاع نیست، ولی این‌سوی ماجرا، با توصیه تجرید ذهن از معارف بشری در آرزوی فهم خالص از نصوص دینی هم آرمانی غیرواقعی و نشدنی است.

ب) بر فرض امکان، چنین خلوصی مطلوب نبوده و فهم صحیح و بهنجاری را به‌بار نمی‌آورد. فهم روش‌مند و معتبر از کتاب و سنت، متوقف است بر مجموعه پیچیده‌ای از مقدمات همچون اصول و قواعد عقلایی اخذ ظهورات از خطابات دینی، لغت و ادبیات عرب و علوم فصاحت و بلاغت، علم رجال و درایه و نیز احاطه به متون دینی برای ارتباط‌سنجی هر آیه و روایتی با دیگر آیات و روایات مربوطه و سنجش و کشف محتوای آنها در پیوند با یکدیگر و همچنین بررسی جهت‌صدور در روایات که بدون تضلع و مهارت در آنها هیچ فهم ضابطه‌مند و معتبری حاصل نخواهد شد و بی‌شک عرصه‌های مزبور از جمله معارف بشری است که البته از احتمال خطا در آنها یا تطبیق آنها گریزی نیست.

ج) چون عقل در کنار نقل حجت خداوند است و خاستگاه و مخاطب وحی، عقل است؛ پس معارف یقینی عقل به‌منزله قراین لَبّی بوده که در مقام استکشاف مراد جدی باید مورد توجه واقع شود؛ به‌ویژه در حوزه عقاید و اصول دین، بسی مؤکدتر و ضروری‌تر است. همان‌گونه که

بهره‌برداری از معارف و حیانی به توسعه و تعمیق معارف فلسفی و عرفانی می‌انجامد، استفاده از معارف یقینی عقل نیز به فهم مراد نهایی و بطون لایه‌های نهفته در گنجینه کتاب و سنت منجر می‌شود. اجتهاد در معارف اعتقادی، علاوه بر فحص عمیق و گسترده در نصوص دینی، همچنین استفاده از علوم مقدماتی مربوطه، متوقف بر احاطه بر موازین عقلی است.

(د) بدون بهره‌مندی از علوم و معارف بشری از جمله فلسفه، عرفان و کلام، فهم ظرایف و لطایف نهفته در کتاب و سنت میسر نخواهد بود؛ همان‌گونه که یک حقوقدان بدون دانش حقوق و با ذهن خالی نمی‌تواند سراغ متون حقوقی برود و هرگز نمی‌تواند از اشارات و نکات آن در جهت گره‌گشایی از معضلات حقوقی بهره بگیرد. همچنین بدون بضاعت فلسفی، عرفانی و کلامی هرگز نمی‌توان عمق و ژرفای معارف عالیه کتاب و سنت را دریافت یا نمایان ساخت. بنیانگذار انقلاب اسلامی امام خمینی علیه السلام که استاد مسلم علوم عقلی شهودی و نقلی بود، مهم‌ترین وجه اعجاز قرآن کریم را «اعجاز معارفی» آن می‌داند؛ چنان‌که بدون تبحر در علوم ادبی و بلاغی، نمی‌توان اعجاز ادبی قرآن را دریافت و بدون علوم طبیعی نمی‌توان اعجاز علمی کلام الله را فهمید. بدون مهارت و تبحر در علوم حکمی نیز مشکل بتوان اعجاز معارفی کلام خدا و حجج الهی را درک کرد. در هر حال باید توجه داشت میان تفسیر به‌رأی و بهره‌جستن از معقولات یقینی به‌مثابه قراین لئی یا ابزار استکشاف بطون و لایه‌های نصوص دینی، مرزی دقیق و لطیف وجود دارد که جز با تعمق و تبحر در دو ساحت معرفتی مزبور به‌دست نمی‌آید. دوفصلنامه «حکمت و حیانی» مفتخر است با همکاری پژوهشگران این حوزه بتواند به سهم خود در این مسیر خطیر تلاش نماید.

